

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و مؤلفه‌های شناختی تنظیم هیجان در زنان مجرم و زنان عادی

تاریخ پذیرش: 1398/04/10

تاریخ دریافت: 1398/01/25

نظام الدین قاسمی¹، زهره جاویدمهر²، رقیه مهر اورن³، جعفر حسنی⁴

از صفحه 115 تا 134

چکیده

زمینه و هدف: جرم پدیده‌ای به قدمت تاریخ بشر و واقعیتی غیرقابل اجتناب است. هدف پژوهش حاضر مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و مؤلفه‌های شناختی تنظیم هیجان در زنان مجرم و عادی شهرستان یاسوج می‌باشد.

روش شناسی: پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و در حیطه پژوهش‌های پس‌رویدادی قرار دارد. جامعه آماری کلیه زنان مجرم با جرم‌های (قتل، سرقت، مواد، حمل سلاح سرد و ...) بازداشت شده در زندان شهرستان یاسوج در زمستان و پاییز سال 1396 بوده که به روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد 30 زن از بین زنان مجرم و 30 زن از گروه غیرمجرم به روش هم‌سازی انتخاب شدند. داده‌ها بوسیله پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نو⁵ و تنظیم‌شناختی هیجان گارنفسکی⁶ و همکاران جمع‌آوری و به روش تحلیل واریانس یک راهه به کمک نرم‌افزار اسپس پی اس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که میان مؤلفه‌های روان رنجوری، مسئولیت‌پذیری و وجدان‌گرایی بین دو گروه زنان عادی و مجرم تفاوت معنادار وجود دارد و میانگین نمرات گروه زنان مجرم در بُعد شخصیت روان رنجوری بیشتر از زنان بهنجار بود. اما در ابعاد مسئولیت‌پذیری و وجدان‌گرایی، میانگین نمرات گروه زنان مجرم کمتر از زنان بهنجار بود. سایر نتایج نشان داد که در راهبردهای سازگارانه نظم‌جویی‌شناختی هیجان (ملامت خویش، نشخوارگری، فاجعه‌سازی و ملامت دیگران) بین دوگروه تفاوت معنادار وجود دارد و میانگین نمرات گروه زنان مجرم بیشتر از زنان بهنجار است و در راهبردهای سازگارانه نظم‌جویی‌شناختی هیجان میانگین نمرات گروه زنان مجرم کمتر از زنان بهنجار می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش تأکید دارد بر اینکه ویژگی‌های شخصیتی زنان از قبیل روان رنجورخویی بالا، مسئولیت‌پذیری و اخلاق‌گرایی ضعیف و دشواری در فهم و تنظیم واکنش‌های مناسب هیجانی به عنوان ویژگی‌های اکتسابی، می‌تواند در شناخت و مفهوم‌پردازی علت وقوع جرم و برنامه‌ریزی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در زنان کمک‌کننده باشد.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های شخصیتی، تنظیم‌شناختی هیجان، زنان مجرم.

1- دکتری روان‌شناسی، عضو هیئت علمی گروه روانشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه سلمان فارسی کازرون. کازرون. ایران (نویسنده

مسول)، رایانامه: (Nezamghasemi@yahoo.com)

2- کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی. تهران. ایران. رایانامه: javidmehrzhore@gmail.com

3- کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه خوارزمی. تهران. ایران. رایانامه: mehravaranooghayeh@gmail.com

4- دکتری روان‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه خوارزمی تهران. ایران. رایانامه:

hasanimehr57yahoo.com

1-NEO personality five factor Questionnaire

2-Garnowski Emotional Cognitive Questionnaire

یکی از نگرانی‌های مهم جامعه افزایش جرائم، تبه‌کاری‌ها و به خطر افتادن امنیت و آسایش مردم است (ملکزاده، 1388: 128) که همراه با رشد پیچیدگی‌های جرائم و پایین آمدن سن ارتکاب جرم، بر اهمیت و ضرورت توجه بیشتر به پیشگیری انتظامی می‌افزاید (برومدال، مولنز، فیلیپس و گاو¹، 2018: 6). پژوهش‌ها بیان می‌دارند علاوه بر شیوع رفتار بزهکارانه در زنان، زنان در مقایسه با مردان در ارتکاب به جرم با آسیب‌های بیشتری از قبیل از هم پاشیدگی خانواده، طلاق و اختلال‌های روانپزشکی روبرو هستند. این تفاوت‌ها را می‌توان در حوزه‌های اجتماعی مانند نقش‌های متفاوت و حساس زنان در خانواده، حوزه‌های روانشناختی مانند شیوع بالای اختلالات خلقی در زنان و حتی در حوزه زیستی به اثرات شدیدتر ارتکاب به جرم و عواقب آن در زنان اشاره نمود. تمامی این موارد ارتکاب جرم در زنان را پیچیده‌تر می‌نماید (هافستد و مک کرا، 2004: 52). دو دیدگاه در بین جرم‌شناسان به نقش محیط، عوامل اجتماعی و وراثت و شخصیت افراد در شکل‌گیری جرم و بزهکاری اشاره دارد. بررسی متون و مطالعات روان‌شناختی نشان می‌دهد که تنظیم هیجان² و ویژگی‌های شخصیتی (مک کرا³، 2002: 105) عامل مهمی در تعیین سلامتی و داشتن عملکرد موفق در تعاملات اجتماعی است و نقص در آن با اختلالات برون‌ریز و ارتکاب به جرم در ارتباط است (صابر، تهرانی، شجاعی‌زاده، ملکی و اسفندیاری‌پور، 2013: 50). بر طبق الگوی پیشنهادی گروس (1999) در تنظیم هیجان (گروس و جان⁴، 2003: 351) تنظیم هیجان شامل همه راهبردهای آگاهانه و غیرآگاهانه می‌شود که برای افزایش، حفظ و کاهش مؤلفه‌های هیجانی، رفتاری و شناختی یک پاسخ هیجانی به‌کاربرده می‌شود. در واقع برخورداری از توانایی مدیریت هیجان‌ها، باعث می‌شود که فرد در موقعیت‌هایی که خطر وقوع جرم بالاست، از راهبردهای مقابله‌ای مناسب استفاده کند و در پیش‌بینی خواسته‌های دیگران توانایی بیشتری داشته باشد. این افراد فشارهای ناخواسته دیگران را درک و هیجان‌های خود را

1 - Bromdal & Mullens & Phillips & Gow

2 - Emotion Regulation

3 - McCrae

4 - Gross & John

بهتر مهار می‌کنند و در نتیجه انتظار می‌رود در برابر ارتکاب به جرم و مشکلات ناشی از آن مقاومت بیشتری نشان دهند.

متغیرهای متفاوتی در بزهکاری مؤثر هستند که تنظیم هیجانات می‌تواند عاملی مهم در سازگاری افراد در مقابل عوامل فشارزا و پیشگیری از ارتکاب به جرم باشد (اورباخ، آبله و هو¹، 2007:2182) و همین‌طور از میان عواملی که در رابطه با گرایش به مواد وجود دارد، می‌توان به نقش برجسته مشکلات هیجانی و ناتوانی در کنترل و تنظیم هیجان‌ها اشاره کرد (نولن هوکسما، آلدو و اسکویزر²، 2010:217). تنظیم‌شناختی هیجان³، شکل خاصی از خودتنظیمی است که به وسیله آن ما بر این که چه هیجاناتی را تجربه کنیم، چه موقع آن‌ها را تجربه کنیم و چگونه آن‌ها را بیان کنیم تأثیر می‌گذارد (سزیگیل، بوزنی و بازینسکا⁴، 2012:435). به طور کلی تنظیم‌شناختی هیجان یکی از عوامل اساسی بهزیستی و کنش‌وری موفق بود و نقش مهم در سازگاری با وقایع تنیدگی‌زای زندگی ایفا می‌کند و اختلال در آن با آسیب‌شناسی روانی و کاهش بهداشت روانی همراه می‌باشد (گراتز و تول⁵، 2010:544). راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان می‌تواند با اشکال مختلف راهبردهای مثبت (سازگار) و راهبردهای منفی (ناسازگار)، پس از یک ضربه روانی دردناک فعال شوند. راهبردهای مثبت تنظیم هیجان شامل پذیرش، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، اتخاذ دیدگاه و باز تمرکز مثبت است که نقش مهمی در افزایش سازگاری فرد و کنترل هیجانات فرد و دیگران دارند. راهبردهای منفی تنظیم‌شناختی هیجان نیز به راهبردهای مقصر دانستن خود، مقصر دانستن دیگران و نشخوار فکری و فاجعه انگاری را شامل می‌شود (گارنفسکی، کرایچ و اسپینهن⁶، 2001:1315). ماهیت راهبردهای تنظیم هیجان به گونه‌ای است که بر اساس آن، هیجانات مثبت افزایش یافته و هیجانات منفی کاهش و یا حذف می‌گردند. علاوه بر این در این فرایند، هیجانات نیز تعدیل می‌یابند. این سیستم تنظیم هیجان از دوره کودکی رشد و گسترش می‌یابد و منجر به افزایش توانایی کنترل در پردازش اطلاعات هیجانی فرد شده و به موفقیت او در زندگی شخصی و اجتماعی کمک

1 -Auerbach & Abela & Ho

2 -Schweizer

3-emotion cognitive regulation

4 -szygiel & Buczny & Bazinska

5 -Gratz & Tull

6 -Garnefski & Kraaij & Spinhoven

می‌کند. بنابراین تنظیم هیجان یک پدیده پیچیده و چند بُعدی است که با هماهنگ کردن بسیاری از فرایندهای بیولوژیکی و رفتاری اتفاق می‌افتد که به تبع آن استفاده از راهبرد هیجانی سازگارانه یا غیرسازگارانه می‌تواند با سلامت روانی شکل‌گیری اختلال‌های روانی در ارتباط باشد (گراس¹، 224:1998؛ تامپسون²، و تامپسون و گودوین³ 320:2007).

در مدل پنج عامل بزرگ کاستا و مک‌کرا اعتقاد بر این است که شخصیت از پنج بُعد نسبتاً مستقل تشکیل شده است که طبقه‌بندی معناداری را برای مطالعه تفاوت‌های فردی شکل می‌دهد (روبی⁴، براون⁵ و بلای⁶، 725:2005). عامل برون‌گرایی شامل تمایلات رفتاری بیرونی و ارتباطی نظیر اجتماعی بودن، پرحرف بودن، قاطعیت، هیجان‌خواهی و فعال بودن است (مک‌کرا، 105:2002). عامل روان‌زندگی تفاوت‌های فردی را در تجربه ناکامی نشان می‌دهد و نشانگر استعداد تجربه احساسات منفی همراه با رفتارهایی نظیر نگرانی، افسردگی، عاطفی بودن و اضطراب است. این افراد در تنظیم هیجان‌ها مشکل دارند و این امر باعث کاهش توانایی آن‌ها در تصمیم‌گیری و مقابله مؤثر با استرس می‌شود (هافستد و مک‌کرا، 79:2004). عامل توافق‌پذیری یا سازگاری ویژگی‌های رفتاری اعتماد، انعطاف‌پذیری، همکاری و تحمل را نشان می‌دهد. عامل وظیفه‌شناسی (مسئولیت‌پذیری) بر قابل اتکا بودن و مسئولیت‌پذیر بودن فرد دلالت دارد و به میزان پشتکار و تلاش او در رسیدن به هدف‌هایش اشاره می‌کند و آخرین بُعد نیز گشودگی (باز بودن به تجربه) است که به خلاقیت علمی و هنری و تفکر واگرا مربوط می‌شود (جاج، هلر و مانتا⁷، 534:2002). بنابراین با توجه نقش مهارت‌های تنظیم هیجان برای مقابله با هیجان‌های منفی و گرایش به رفتارهای مجرمانه و تاثیر و نقش ویژگی‌های شخصیتی در برخورداری از مهارت‌های تنظیم هیجان و ارتباط آن با انجام رفتارهای مجرمانه، پژوهش به دنبال پاسخ دادن به این سوال می‌باشد که در چه

1- Gross

2- Thompson

3- Goodvin

4- Robie

5- Brown

6- Bly

7- Judge & Heller & Mounta

مؤلفه‌هایی از تنظیم‌شناختی هیجان و ویژگی‌های شخصیتی در بین زنان مجرم و عادی تفاوت وجود دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

روانشناسی یکی از محورهای اصلی جرم‌شناسی به حساب می‌آید. نقش روانشناس در تبیین پدیده جرم از زمانی برجسته شده که مجرمان را نه تنها از زاویه قضایی بلکه از دیدگاه روان‌شناختی نیز مورد بررسی قرار دادند و به جای آن که به قضاوت درباره جرم به عنوان یک عمل مجزا پرداخته شود، بررسی شخصیت مجرم نیز مورد توجه است. به عبارت دیگر اگرچه دستگاه قضایی به قضاوت درباره یک جرم می‌پردازد؛ اما چاره‌ای جز آن ندارد که علاوه بر رفتار مجرمانه به فرد و خصوصیات ارثی و سرشتی وی نیز توجه داشته باشد (دادستان، 1385). جرم پدیده‌ای به قدمت تاریخ بشر و واقعیتی غیرقابل اجتناب است. امروزه جوامع شاهد ارتکاب جرائمی مانند قتل، سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف و غیره هستند که اجرای مجازات‌های شدید و سنگین نه تنها تاثیری در پیشگیری از وقوع این جرائم نداشته، بلکه در حال حاضر شیوع چنین جرائمی نیز افزایش یافته است (قاسم‌زاده، جعفری ولدانی، احمدی و مظاهری، 71:1397). جنسیت به عنوان یکی از عناصر اثرگذار بر شخصیت، اخیراً در نظریه‌های روانشناسی جرم مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. به عنوان نمونه در نظریه زن‌گرایی سوسیالیستی مفاهیمی چون جنسیت و طبقه اجتماعی در شناخت بزهکاری حائز اهمیت هستند. چرا که شاهد افزایش نرخ بزهکاری زنان و نیز همراهی آنان در جرائمی هستیم که اصطلاحاً مردانه بوده‌اند (زاگر¹، 71:2018). علاوه بر آن طبق دیدگاه‌های فمینیستی، ساختارهای جنسیتی بر تجارب و رفتارهای اشخاص از جمله رفتارهای مجرمانه آنان اثر می‌گذارد. به عنوان مثال بر اساس نظریه فقر، بزه‌دیدگی و جرائم زنان، رابطه نزدیکی بین اقتصاد و جرم وجود دارد که به موجب آن جرائم ارتكابی توسط زنان بر اساس تحولات اقتصادی رخ داده در جوامع و تغییر جایگاه اجتماعی آنان قابل توجیه می‌باشد (رستمی تبریزی، 317:1388).

سابقه تحقیق در زمینه آسیب‌های اجتماعی در خصوص زنان در ایران چندان طولانی نیست و مراجعه به کتاب‌شناسی‌ها و مقاله‌های موضوعی نشان می‌دهد که تحقیقات در مسئله جرم و بزهکاری زنان چندان مورد توجه محققان نبوده است. حال آن‌که بسیاری از صاحب نظران برآنند که زنان امروز بیش از گذشته فرصت ارتکاب جرم پیدا می‌کنند، زیرا شمار بیشتری از آنان شاغلند و از آزادی بیشتری برخوردارند و کمتر از گذشته به خانه وابستگی دارند؛ از طرف دیگر، بسیاری از زنان مسئولیت اصلی خانواده را بر دوش دارند، مسئولیتی که در گذشته به طور سنتی بر عهده مردان بوده است. برخی از نظریه‌پردازان از جمله پولاک¹ در تبیین آمار جرایم ارتكابی از سوی زنان بر این اعتقادند که در آمارهای رسمی، میزان ارتکاب جرم زنان کمتر از آن چه واقعیت دارد، نشان داده می‌شود؛ این امر از عملکرد مقامات رسمی مانند افسران پلیس و قضات محاکم ناشی می‌شود. پولاک معتقد است زنان همان قدر مرتکب جرم می‌شوند که مردان؛ اما جرایم زنان اغلب گزارش نمی‌شود و در نتیجه جرایم آنان به دلیل دشواریابی نسبی‌شان پوشیده می‌ماند (گرت²، 548:1382). با این همه، بررسی‌های انجام شده در گذشته این ادعای پولاک را با تردید مواجه ساخته است.

شریفی، نوشاد، سبزی، مرادی و شیخ حسنی (1397) در پژوهشی با عنوان «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان در زنان دارای اعتیاد به مواد محرک» نشان دادند زنان معتاد، در ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، گشودگی و در روان رنجوری نمرات بالاتر در مقایسه با زنان غیرمعتاد گزارش نموده بودند. همچنین آنان در راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان شامل نشخوار فکری، ملامت خود و فاجعه‌سازی نمرات بالاتر و در راهبرد تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی از نمرات پایین‌تر در مقایسه با زنان غیرمعتاد برخوردار بودند. بهادری خسرو شاهی و حبیبی کلیبر (2017) در پژوهشی با عنوان «بررسی تغییرات رشدی و تحولی مرتبط با رفتارهای بزهکارانه» نشان دادند که صفات شخصیتی افراد با رفتارهای مجرمانه و تغییرات تحولی در کنترل‌شناختی آنان مرتبط می‌باشد. کریمی، کریمی و کرمی دهباغی (1395) در پژوهشی با عنوان «مقایسه ویژگی‌های شخصیت و هوش در مجرمین (مرد) جرایم

1- pollak
2- Grat

سایبری با جمعیت عادی شهر تهران» نشان داد که در مقیاس روان رنجورخویی و گشودگی به تجربه بین مجرمین سایبری و جمعیت عادی تفاوت معنادار وجود دارد و مجرمین دارای میانگین بالاتری هستند. در مقیاس برونگرایی و وجدانی بودن نیز تفاوت معنادار است و گروه جمعیت عادی دارای میانگین بالاتری هستند. ولی در مقیاس توافق تفاوت معنادار بین دو گروه وجود نداشت (بهادری خسروشاهی و خانجانی، 1396). مدنی فرد، نمایی و جعفرنیا (1395) در پژوهشی با عنوان «مقایسه تنظیم‌شناختی هیجان و شیوه‌های حل مسأله در افراد وابسته به مواد اپیوئیدی و افراد بهنجار» نشان دادند که افراد معتاد از قابلیت تنظیم‌شناختی هیجان کمتری نسبت به افراد عادی برخوردارند و در مقایسه با افراد عادی کمتر از شیوه‌های سازنده در حل مسأله استفاده می‌کنند.

جانسون¹ (2013) در بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای شناختی تنظیم هیجان نشان داد که تنظیم هیجانی منفی با روان نژندگرایی مرتبط است. گرشم و گالون² (2012) و وانگ، شی و لی³ (2009) در پژوهش‌های جداگانه در ارتباط با تنظیم هیجان ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی نشان داده‌اند که برون‌گرایی با تنظیم هیجان مثبت و راهبردهای مثبت تنظیم هیجان مرتبط است و سبک‌های دلبستگی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای تنظیم هیجان افراد باشد. فاکس، هنگ و شینهه (2008)، با مقایسه افراد نابهنجار و افراد عادی بیان داشتند که افراد مصرف‌کننده مواد و بیماران وابسته به الکل، نسبت به افراد عادی مشکلات بیشتری در تنظیم هیجان و کنترل تکانه دارند. موریانی و همکاران (2001) در پژوهش خود نشان دادند بزهکارانی که دقت بیشتری در برجسبزی حالات هیجانی دیگران به خرج می‌دهند و با کنترل خشم و تکانش‌وری قادر به درک و شناسایی هیجان‌ات خود و دیگران خواهند بود. همچنین مشکلات آنها در کنترل خشم و پایه‌ریزی روابط معنادار با دوستان به نحوی مسالمت‌آمیز برطرف می‌شود. کوکونن و بالکینن⁴ (2001) در بررسی ارتباط میان پنج عامل بزرگ شخصیت و راهبردهای تنظیم هیجان

1- Johnsen

2- Greshm & Gullone

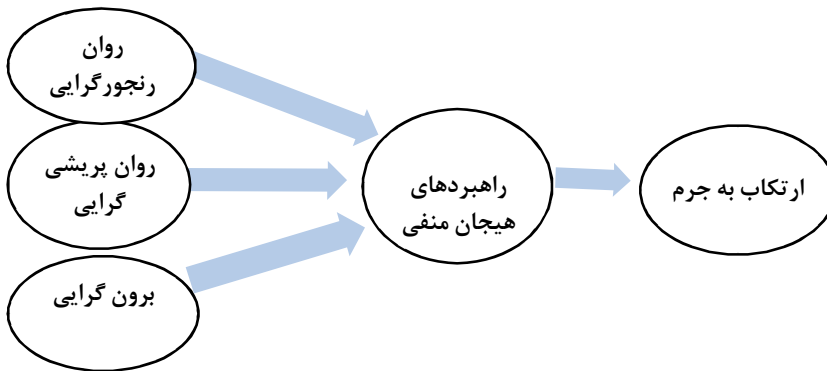
3- Wang, Shi, LI

4- Kokkonen & Pullkinen

نشان دادند که روان‌نژندگرایی مهم‌ترین صفت شخصیتی در ارتباط با تنظیم هیجان می‌باشد.

مدل مفهومی پژوهش

این مدل تلفیقی از الگوی سه عاملی آیزنک، خودکنترلی گاتفردگانسون و هیرچی و تنظیم‌شناختی هیجان گارنفسکی، کرایچ و اسپینهون است که با دسته‌بندی سازه‌های مفهومی ترسیم شده است در این الگو تلاش شده تا الگوی سه عاملی شخصیت با خودکنترلی و تنظیم‌شناختی هیجان گارنفسکی و کرایچ و اسپینهون نشان داده شود.



شکل 1- مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و در حیطه پژوهش‌های علی مقایسه‌ای (پس رویدادی) می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان زندانی شهر یاسوج در سال 1396 بودند که 30 نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه انتخاب شدند و به همین تعداد (30 نفر) از زنان غیر زندانی (عادی) که کارمندان اداره بهزیستی و دانشگاه یاسوج بودند بر اساس سن، جنس و تحصیلات همگن شدند (60 نفر). معیارهای ورود و خروج به مطالعه عبارت بودند از: جرم اثبات شده، برخورداری از سلامت روان و عدم وجود بیماری روانپزشکی (ارزیابی به وسیله آزمون (GHQ=28)،

تحصیلات در حد خواندن و نوشتن و جنسیت مونث. شیوه اجرا به این شکل بود که بعد از اخذ موافقت‌های کتبی و قانونی در زمان‌های تعیین شده پژوهشگران در زندان و بندهای مشخص شده حضور پیدا کردند و پرسشنامه‌ها در حضور پژوهشگران و به کمک آنان تکمیل شد. از ابزارهای زیر جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های تنظیم‌شناختی هیجان که توسط گارنفسکی، کرایچ و اسپینهون (2001) ساخته شده است که دارای 36 گویه است و دارای 9 خرده مقیاس که عبارتند از: ملالت خویش، پذیرش، نشخوار فکری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه‌پذیری، فاجعه‌سازی و ملالت دیگران. هر سوال در مقیاس لیکرت 5 درجه‌ای از 1 (تقریباً هرگز) تا 5 (تقریباً همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. اعتبار مقیاس بر اساس روش‌های همسانی درونی 0/76 تا 0/92 و بازآزمایی با دامنه همبستگی 0/51 تا 0/77 بدست آمده است (بشرپور، 1394) همین‌طور پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو که به صورت مقیاس 5 درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالف تا کاملاً موافقم درجه‌بندی و بعضی از ماده‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. ضرایب آلفای کرونباخ در هر یک از عوامل اصلی روان‌آزردگی خوبی، برون‌گرایی، باز بودن، سازگاری و با وجدانی به ترتیب 0/86، 0/73، 0/56، 0/68 و 0/87 به دست آمد، استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

جامعه آماری شامل کلیه زنان زندانی شهر یاسوج می‌باشد که از بین آنان حجم نمونه شامل 30 زن بازداشت شده در زندان مرکزی شهر یاسوج و 30 زن غیر مجرم بود. شاخص‌های جمعیت‌شناختی مرتبط با سن آزمودنی‌های پژوهش در جدول 1 آورده شده است.

جدول 1- شاخص‌های توصیفی سن آزمودنی‌های پژوهش

متغیر	سن	انحراف معیار
زنان مجرم	30/7	7/7
زنان عادی	29/11	6/4

همان‌طور که از جدول 1 مشاهده می‌شود میانگین و انحراف معیار سن زنان مجرم به ترتیب 30/7 و 7/7 بود. شاخص‌های توصیفی مرتبط با فراوانی نوع جرم و تحصیلات و وضعیت تأهل آزمودنی‌های پژوهش در جدول 2 آورده شده است.

جدول 2- شاخص‌های توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی آزمودنی‌های پژوهش

مجرم			
شاخص آماری	متغیر	فراوانی	فراوانی درصدی
انواع جرم	سرقت	8	26/6
	قتل	2	6/66
	مواد	14	46/66
	حمل سلاح سرد	2	6/66
تحصیلات	بی سواد	2	6/66
	ابتدایی	5	16/66
	سیکل	11	36/66
	دیپلم	11	36/66
	فوق دیپلم	0	0
وضعیت تأهل	لیسانس	1	3/33
	متاهل	16	53/33
	مجرد	5	16/66
	مطلقه	9	30

همان‌طور که از جدول 2 مشاهده می‌شود از بین انواع جرم‌ها، حمل مواد با 46 درصد بیشترین فراوانی را داشته و سرقت به ترتیب در مراتب بعدی بیشترین فراوانی را داشتند. سایر شاخص‌های توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی وضعیت تأهل و تحصیلات در جدول 2 قابل مشاهده می‌باشد.

فرضیه اول: بین ویژگی‌های شخصیتی زنان مجرم و زنان عادی تفاوت معنادار وجود دارد.

به منظور مقایسه دو گروه آزمودنی‌ها در ابعاد شخصیت از تحلیل چند متغیری واریانس استفاده شد. نتیجه آزمون M باکس ($F(15, 13544/53) = 1/07$; $P > 0/01$) نشان داد که ماتریس کواریانس متغیرهای وابسته در گروه‌ها همسان است و می‌توان از

تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده نمود. نتیجه آزمون چند متغیری لامبدای ویلکز¹ ($F(5, 54) = 7/78; P < 0/001$) معنادار بود. معنادار بودن این آزمون نشان می‌دهد که در ابعاد شخصیت بین گروه زنان مجرم و بهنجار تفاوت معنادار وجود دارد، ولی این معناداری مشخص نمی‌کند که دو گروه در کدام ابعاد با همدیگر تفاوت دارند. برای این منظور تحلیل واریانس یک راهه انجام شد. در جدول 3 مقادیر F تحلیل‌های واریانس یک راهه، میانگین و انحراف استاندارد ابعاد شخصیت قید شده است.

جدول 3- نتایج تحلیل واریانس یک راهه ابعاد شخصیت برای مقایسه زنان مجرم و بهنجار

ابعاد شخصیت	گروه	تعداد میانگین	انحراف استاندارد	F df=(1, 58)	مجذور اتا (2η)
نورزگرایی	زنان مجرم	36/63	4/83	***9/87	0/14
	زنان بهنجار	32/27	5/88		
برون‌گرایی	زنان مجرم	29/23	6/07	0/60	0/010
	زنان بهنجار	28/17	4/52		
گشودگی به تجربه	زنان مجرم	36/10	3/55	2/37	0/039
	زنان بهنجار	37/90	5/32		
مسئولیت‌پذیری	زنان مجرم	25/20	6/18	***10/39	0/15
	زنان بهنجار	29/53	4/93		
وجدان	زنان مجرم	29/77	4/84	***9/00	0/13
	زنان بهنجار	33/93	5/16		

نتایج جدول 3 نشان می‌دهد که در ابعاد نورزگرایی، مسئولیت‌پذیری و وجدان بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد و میانگین نمرات گروه زنان مجرم در بُعد شخصیتی نورزگرایی بیشتر از زنان بهنجار است و در ابعاد شخصیتی مسئولیت‌پذیری و وجدان‌گرایی میانگین نمرات گروه زنان مجرم کمتر از زنان بهنجار می‌باشد.

فرضیه دوم: بین راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان زنان مجرم و زنان عادی تفاوت معنادار وجود دارد.

به منظور مقایسه دو گروه آزمودنی در راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان از تحلیل چند متغیری واریانس استفاده شد. نتیجه آزمون M باکس ($F(45, 11051/35); P > 0/01$) = 1/61 نشان داد که ماتریس کواریانس متغیرهای وابسته در گروه‌ها

1- Wilks' Lambda

همسان است و می‌توان از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده نمود. نتیجه آزمون چند متغیری لامبدای ویلکز¹ ($P < 0/001$ ؛ $F(9, 50) = 6/50$) معنادار بود. معنادار بودن این آزمون نشان می‌دهد که در راهبردهای نظم‌جویی‌شناختی هیجان بین گروه زنان مجرم و بهنجار تفاوت معنادار وجود دارد، ولی این معناداری مشخص نمی‌کند که دو گروه در کدام راهبردها با همدیگر تفاوت دارند. برای این منظور تحلیل واریانس یک راهه انجام شد. در جدول 4 مقادیر F تحلیل‌های واریانس یک راهه، میانگین و انحراف استاندارد راهبردهای نظم‌جویی‌شناختی هیجان قید شده است.

جدول 4- نتایج تحلیل واریانس یک راهه راهبردهای نظم‌جویی‌شناختی هیجان برای مقایسه زنان مجرم و بهنجار

مجدور اتا (2n)	F df=(2, 87)	تعداد میانگین انحراف استاندارد		گروه	هیجان
0/12	**7/62	3/45	15/53	30	زنان مجرم
		4/77	12/57	30	زنان بهنجار
0/19	***13/46	2/57	16/53	30	زنان مجرم
		2/97	13/90	30	زنان بهنجار
0/22	***16/37	3/02	15/37	30	زنان مجرم
		3/99	11/67	30	زنان بهنجار
0/18	***12/78	4/92	14/63	30	زنان مجرم
		5/11	10/00	30	زنان بهنجار
0/11	**6/99	3/44	13/43	30	زنان مجرم
		2/99	15/63	30	زنان بهنجار
0/15	***10/42	3/49	13/47	30	زنان مجرم
		2/10	15/87	30	زنان بهنجار
0/17	***12/15	3/24	14/37	30	زنان مجرم
		2/48	16/97	30	زنان بهنجار
0/23	***17/76	3/62	13/50	30	زنان مجرم
		2/52	16/90	30	زنان بهنجار
0/12	**7/95	2/77	12/60	30	زنان مجرم
		3/33	14/83	30	زنان بهنجار

نتایج جدول 4 نشان می‌دهد که در راهبردهای ناسازگارانه نظم‌جویی‌شناختی ملامت خویش، نشخوارگری، فاجعه‌سازی و ملامت دیگران بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد و میانگین نمرات گروه زنان مجرم بیشتر از زنان بهنجار است. همچنین

1- Wilks' Lambda

راهبردهای سازگارانۀ نظم‌جویی پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت و دیدگاه‌گیری بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد و میانگین نمرات گروه زنان مجرم کمتر از زنان بهنجار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و تنظیم‌شناختی هیجان در زنان مجرم و عادی بود. یافته‌های جدول شماره یک نشان داد در مؤلفه‌های شخصیتی نوروگرایی، مسئولیت‌پذیری و وجدان‌گرایی بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد و در مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری و وجدان‌گرایی میانگین نمرات گروه زنان مجرم کمتر از زنان بهنجار می‌باشد. نتیجه این پژوهش با پژوهش‌های صابر و همکاران (1390) سیدی و همکاران (1393) هم راستا است.

سایر یافته‌ها نشان می‌دهد که در راهبردهای ناسازگارانۀ نظم‌جویی‌شناختی ملامت خویش، نشخوارگری، فاجعه‌سازی و ملامت دیگران بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد که این نتایج با یافته‌های پارکر و همکاران (2008)، گلداسمیت (2009)، اژه‌ای و همکاران (1394) و نجفی و همکاران (1394) مبنی بر اینکه افراد دارای سوء‌مصرف مواد نمی‌توانند برانگیختگی و هیجان‌های خود را کنترل کنند همسو می‌باشد. همچنین از نظر راهبردهای سازگارانۀ نظم‌جویی پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت و دیدگاه‌گیری بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین نمرات گروه زنان مجرم کمتر از زنان بهنجار می‌باشد. اعتقاد بر این است که راهبردهای نظم‌جویی‌شناختی هیجان به افراد کمک می‌کند تا برانگیختگی‌ها و هیجان‌های منفی را تنظیم نمایند و بهره‌گیری مطلوب از راهبردهای سازش‌یافته نظم‌جویی‌شناختی هیجان نظیر ارزیابی مجدد باعث کاهش احساسات منفی و افزایش احساسات مثبت و رفتار سازش‌یافته می‌شود و به طور کلی یافته‌های پژوهشی متعددی بیانگر رابطه قوی راهبردهای نظم‌جویی‌شناختی هیجان با اختلال‌های رفتاری و آسیب‌شناسی روانی است. علاوه بر این نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نظم‌جویی مؤثر هیجان‌ها دارای پیامدهای مطلوبی بر بهداشت روانی، سلامت جسمانی و روابط بین فردی می‌باشد. نتایج تحلیل حسنی و همکاران (1387) نشان داد که افراد روان‌زندگرا در

برخورد با تجربه منفی بیشتر از راهبردهای ملامت خویش، پذیرش نشخوارگری، دیدگاه‌پذیری، فاجعه‌سازی و ملامت دیگران در افراد پایدار هیجانی از راهبردهای تمرکز مجدد مثبت و تمرکز مجدد برنامه‌ریزی استفاده می‌کنند و بر اساس یافته‌های پژوهشی؛ آنها به این نتیجه رسیدند که صفات شخصیتی نقش مهمی در انتخاب راهبردهای تنظیم هیجان ایفا می‌کنند و نوع راهبردهای تنظیم هیجان متناسب با صفات شخصیتی مسلط در فرد می‌باشد. ترینیداد و جانسون (2004) به این نتیجه رسیدند کسانی که دشواری در تنظیم هیجانی دارند جهت تنظیم و یا تعدیل هیجانات به سوی مصرف مواد کشیده می‌شوند. همچنین پارکر، تیلور، ایستابروک، شل و وود¹ (2008) نشان دادند که دشواری در تنظیم هیجان منجر به سوء مصرف مواد می‌شود. مزیح² و همکاران (2007) در تحقیقی با عنوان ارزیابی خطر استفاده از مواد، و عواقب مصرف داروهای غیرقانونی، نشان دادند که تنظیم ضعیف هیجان یک پیش زمینه مهم برای اختلالات مصرف مواد به حساب می‌آید. نتایج تحقیق صالحی (1375) نشان داد 21 درصد از میزان سرقت به میزان عوامل کنترل اجتماعی و 14 درصد به میزان عوامل بی‌سامانی اجتماعی مرتبط می‌باشد. افشاری (1373) در بررسی علل شیوع جرم سرقت در اطفال و نوجوانان بزهکار (با ارائه گزارش تحقیقی در شهرستان مشهد) به بررسی تأثیر و ویژگی‌های فردی، محیط و عوامل اجتماعی در شیوع سرقت اطفال و نوجوانان بزهکار پرداخته است. بخشی‌پور رودسری، علیلو و ایرانی (1387) در پژوهش خود دریافتند که معنادان در ویژگی‌های شخصیتی روان‌زندگی نمره بالا و در ویژگی‌های توافق‌جویی، گشودگی و وظیفه‌شناسی نمره‌های پایینی به دست آوردند. بر اساس نظریه آیسنک بخشی از تفاوت در فرایند جامعه‌پذیری حاصل تفاوت‌های فردی در قابلیت‌های شرطی شدن است. این تفاوت‌ها، اثرات ترکیبی عوامل سرشتی و ویژگی‌های شخصیتی قابل اندازه‌گیری (برونگرایی بالا، روان رنجورخویی و روان‌پریش‌خویی) را که با احتمال درگیری در فعالیت‌های مجرمانه ارتباط دارد مدنظر قرار می‌دهد (مک گوایر³، 2006: 68). باید خاطر نشان کرد که با توجه به نقش و جایگاه و تأثیراتی که یک زن در جامعه و به‌خصوص خانواده اعم از همسر و خاصه فرزندان دارد باید این مسأله را به جد مورد توجه قرار داد.

1 -Parker & Taylor & Eastabrook & Schell & Wood

2 -Mezzich

3 - MC Guire

از آنجایی که نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه نقش راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان را در ویژگی‌های شخصیتی افراد و در این پژوهش بطور خاص زنان را، به ما نشان داد، پس می‌توان گفت که با آموزش و به کارگیری راهبردهای سازگارانه تنظیم‌شناختی هیجان در زندگی شخصی و اجتماعی بتوان از میزان جرم و جنایت کاسته شود.

پیشنهادها

در راستای نتایج به دست آمده از پژوهش مبنی بر وجود تفاوت‌های شخصیتی و تفاوت در تنظیم هیجان زنان مجرم پیشنهاد می‌شود:

- در مطالعات بعدی به نقش و تأثیر متقابل عوامل اجتماعی و فرهنگی با متغیرهای روان‌شناختی در فهم دقیق‌تر رفتار مجرمانه زنان توجه شود؛

- پیشنهاد می‌شود که در کنار مراکز مداخله در بحران، مراکز مداخله قبل از بحران نیز شکل بگیرد. این مراکز می‌توانند افرادی را که در معرض ارتکاب به جرم قرار دارند مانند فرزندان خانواده‌هایی که در آنها سابقه طلاق، اعتیاد و اختلافات خانوادگی و نظایر آن وجود دارد شناسایی کرده و در معرض مداخلات زیستی، اجتماعی و خانوادگی قرار دهند و از این طریق میزان خودکنترلی آنان را در برابر بسیاری از مشکلات رفتاری و پیشگیری از وقوع جرم افزایش دهند؛

- با توجه به شیوع بالای اختلال‌های شخصیت در افراد مجرم و بزهکار لازم است از متخصصان روانشناس جهت فعالیتهای مشاوره‌ای و آموزش خانواده استفاده کرد تا به خانواده، در ممانعت از ارتکاب به جرم در زنان کمک شود؛

- همچنین می‌توان با ایجاد نگرش‌های مثبت در افراد نسبت به قوانین، مقررات، پلیس و نظایر آن، مهارگری اعتدال‌گرایانه در انتخاب دوستان مناسب توسط خانواده و مدرسه، واکنش مناسب نسبت به رفتارهای نادرست و تنبیه آن‌ها از طریق عدم ابراز توجه به آن‌ها، در جهت کاهش رفتارهای بزهکارانه از سنین پایین‌گام‌های مؤثری برداشت.

تقدیر و تشکر

بدینوسیله از حفاظت زندان شهرستان یاسوج جهت اخذ مجوز برای انجام تحقیق و بخش تحقیقات زندان جهت معرفی به بخش اجرائیات و داخل زندان، جهت تکمیل پرسشنامه کمال تقدیر و تشکر را داریم.

- افشاری، محمد (1373). علل شیوع جرم سرقت در اطفال و نوجوانان بزهکار (با ارائه گزارش تحقیقی شهرستان مشهد). پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- آبت، پاملا و کلر، والاس (1385). جامعه‌شناسی زنان. ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- آیسنک، هانس یورگن (1375). جرم و شخصیت. ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، تهران: انتشارات سخن.
- بخشی پور رودسری، عباس؛ علیلو، مجید و ایرانی، سید سجاد (1387). مقایسه ویژگی‌ها و اختلال‌های شخصیت و راهبردهای مقابله‌ای معنادان خود مصرف و گروه بهنجار. مجله روان پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، 14(3)، صص 279-297.
- بهادری خسروشاهی، جعفر و خانجانی، زینب (1396). صفات شخصیتی پیش‌بینی‌کننده خودکنترلی و تنظیم عاطفی در بزهکاران: تحلیل ارتکاب جرم بر حسب روانشناسی شخصیت. فصلنامه انتظام اجتماعی، 2(9)، صص 18-2.
- پارسا، محمد (1387). روانشناسی رشد کودک و نوجوان. تهران: انتشارات بعثت، چاپ سیزدهم.
- دادستان، پ (1385). روانشناسی جنایی. تهران: انتشارات سمت.
- رستمی تبریزی، لمیا (1388). درآمدی بر رویکرد جنسیتی جرم‌شناسی. فصلنامه تحقیقات حقوقی، 12(142)، صص 279-317.
- صابر، فاطمه؛ موسوی، سید ولی الله و صالحی، ایرج (1390). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های حل مسأله در مردان معتاد و غیر معتاد. فصلنامه اعتیاد پژوهی، 5(19).
- صابر، مریم؛ طهرانی، هادی؛ شجاعی زاده، داود؛ ملکی، زهرا و اسفندیارپور، رویا (1392). بررسی وضعیت سلامت روان و میزان مواجهه با رویدادهای استرس‌زای زندگی در پرستاران شاغل در اورژانس 115. مجله تحقیقات نظام سلامت، 9(3)، صص 294-300.
- صالحی، صادق (1375). بررسی تطبیقی میزان سرقت در استان مازندران طی سال‌های 70-72. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- صدی دمیچی، اسماعیل؛ اسماعیلی قاضی ولویی، فریبا و اسدی شیشه‌گران، سارا (1395). مقایسه تنظیم‌شناختی هیجان، منبع کنترل و معناجویی در زنان وابسته به مواد و زنان عادی. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، 27(2)، صص 129-145.
- صیدی، معصومه؛ غفوری، اعظم و جلالی، محمدرضا (1393). بررسی ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های مقابله‌ای در سه گروه از زنان تن فروش، معتاد و عادی. 8(29)، صص 89-105.

- قاسم زاده، مهدی؛ جعفری ولدانی، حامد؛ احمدی، مینا و مظاهری، امیر مسعود (1397). تأثیر عوامل روانشناختی بر ارتکاب جرم و ضرورت توجه به آن در نظام‌های حقوقی و فرآیندهای قضائی (مطالعه و مقایسه زنان مجرم و سالم شهر اصفهان). دو فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های حقوقی، ۳(۹)، ۲۵. صص 69-85.
- کریمی شرفشاده، مهدی؛ کریمی، ابوالفضل و کریمی دهباغی، مهدی (1395). مقایسه ویژگی‌های شخصیت و هوش در مجرمین مرد جرایم سایبری با جمعیت عادی شهر تهران. مجله طب انتظامی، ۱(۶)، صص 77-84.
- کیگان جروم و همکاران (1374). رشد شخصیت و کودک. ترجمه مهشید یاسایی، تهران: انتشارات سعدی، چاپ هشتم.
- گرت، استفانی (1382). جامعه‌شناسی جنسیت. ترجمه کتابون بقایی، انتشارات نشر دیگر.
- گروسی فرشی، محمدتقی (1380). رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت). تبریز: نشر دانیال و جامعه پژوه.
- مدنی فرد، مهدی؛ نمایی، محمدمهدی و جعفرنیا، وحید (1395). مقایسه تنظیم‌شناختی هیجان و شیوه‌های حل مسأله در افراد وابسته به مواد اپیوئیدی و افراد بهنجار. مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت، 3(3)، صص 69-80.
- ملک‌زاده، فهیمه (1388). ماهیت اقدامات تربیتی و تأمینی از نظر فقهی و حقوقی. نشریه الهیات نامه.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین و گلدوزیان، حسین (1387). جرم‌شناسی پست مدرن و رویکرد آن به جرم و علت‌شناسی جنایی. فصلنامه پژوهش کیفی، 6(23)، صص 9-46.
- Aldo, A., Nolen-Hoeksema, S., Schweizer, S. (2010). Emotional regulation strategies across psychopathology. *Clinical Psychology Review*. 30(2):217-237. doi: 10.1016/j.cpr.2009.11.004.
- Auerbach, R.P., Abela, J.R., Ho, M.H.R. (2007). Responding to symptoms of depression and anxiety: Emotion regulation, neuroticism, and engagement in risky behaviors. *Behaviour Research and Therapy*, 45(9): 2182-2191. doi::10.1016/j.brat.2006.11.002.
- Brömdal, A., Mullens, A.B., Phillips, T.M., Gow, J. (2018). Experiences of transgender prisoners and their knowledge, attitudes, and practices regarding sexual behaviors and HIV/STIs: A systematic review. *International Journal of Transgenderism*. 20 (1):4-20. doi.org/10.1080/15532739.2018.1538838.
- Ejei, J., Gholamali Lavasani, M., Erami, H. (2015). Comparison of Emotional Regulation in Substance Abusers and Normal Subjects. *Journal of Psychology*, 19(2): 136-146. {In Persian}
- Fox, H.C., Hong, K.A., Sinha, R. (2008). Difficulties in emotion regulation and impulse control in recently abstinent alcoholics compared with social drinkers. *Addictive Behavior*. 33(2):388-94. doi: 10.1016/j.addbeh.2007.10.002.

- Garnefski, N., Kraaij, V., Spinhoven, P. (2001). Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Personality and Individual Differences*, 30(8): 1311-1327. doi.org/10.1016/S0191-8869(00)00113-6.
- Goldsmith, A.A, Tran, G.Q, Smith, J.P., S.R. (2009). Alcohol expectancies and drinking motives in college drinkers: Mediating effects on the relationship between generalized anxiety and heavy drinking in negative-affect situations. *Addictive Behavior*. 34(6-7):505-13. doi:10.1016/j.addbeh.2009.01.003.
- Gratz, K.L., Tull, M.T. (2010). The Relationship between Emotion Dysregulation and Deliberate Self-Harm Among Inpatients with Substance Use Disorders. *Cognitive therapy and research*. 34(6): 544–553. doi: 10.1007/s10608-009-9268-4.
- Gresham, D., Gullone, E. (2012). Emotion regulation strategy use in children and adolescents: The explanatory roles of personality and attachment. *Personality and Individual Differences*. 52(5): 616–621. doi.org/10.1016/j.paid.2011.12.016.
- Gross, J.J. (1998). Antecedent-and response-focused emotion regulation: divergent consequences for experience, expression, and physiology. *Journal of Personality and Social Psychology*. 74(1): 224-237.
- Gross, J.J. (2013). Emotion regulation: Taking stock and moving forward. *Emotion*, 13 (3): 359–365. doi: 10.1037/a0032135.
- Gross, J.J., John, O.P. (2003). Individual differences in two emotion regulation processes: implications for affect, relationships, and well-being. *J Pers Soc Psychol*. 85(2): 348–362.
- Hofstede, G., McCrae, R.R. (2004). Personality and Culture revisited: Linking traits and dimensions of culture. *Cross – Cultural Research*. 38(1):52-88. doi.org/10.1177/1069397103259443.
- Johnsen, S.A.K. (2013). Exploring the use of nature for emotion regulation: Associations with personality, perceived stress, and restorative outcomes. *Journal Nordic Psychology*. 65 (4): 306–321. doi.org/10.1080/19012276.2013.851445.
- Judge, T.A., Heller, D., Mount, M.K. (2002). Five – Factor Model of Personality and job satisfaction: A meta-analysis. *Journal of Applied Psychology*. 87(3): 530. 541. doi: 10.1037//0021-9010.87.3.530.
- Kokkonen, M., Pulkkinen, L. (2001). Examination of the paths between personality, current mood, its evaluation and emotion regulation. *European Journal of Personality*. 15 (2):83-104. doi.org/10.1002/per.397.
- McCrae, R.R. (2002). NEO PI-R data from 36 cultures: further intercultural comparisons, In McCrae, R R & Allik, J (Eds), *The Five – Factor Model of Personality across cultures* (pp 105 – 125). New York: Kluwer.
- McCrae, R.R., John, O.P. (1992). An introduction to the five-factor model and its applications. 60(2):175-215.
- McGuire, J. (2006). *Understanding psychology and Crime: Perspective on theory and action*. New York: Open University Press; 1 edition (September 1, 2004).
- Mezzich, AC., Tarter, R.E., Feske, U., Kirisci, L., McNamee, R.L., Day, B.S. (2007). Assessment of risk for substance use disorder consequent to consumption of illegal

- drugs: Psychometric validation of the neuro- behavior disinhibition trait. *Psychology of Addictive Behaviors*. 21(4): 508–515. doi.org/10.1037/0893-164X.21.4.508.
- Najafi, M., Mohammadifar, M., Abdolahi, M. (2015). Emotional Dysfunction and Tendency to Substance Abuse: the Role of Emotion Regulation, Distress Tolerance and Sensation Seeking. *Social Health and Addiction*. 2(5):53-68. {In Persian}.
 - Parker, J.D., Taylor, R.N., Eastabrook, J.M., Schell, S.L., Wood, L.M. (2008). Problem gambling in adolescence: Relationships with internet misuse, gaming abuse and emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*. 45(2):174-180. doi.org/10.1016/j.paid.2008.03.018.
 - Robie, C., Brown, D.J., Bly, P.R. (2005). The big five in the USA and Japan. *Journal of Management Development*. 24 (8):720-736. doi: 10.1108/02621710510613744.
 - Szczygie, D., Buczny, J., Bazinska, R. (2012). Emotion regulation and emotional information processing: The moderating effect of emotional awareness. *Personality and Individual Differences*, 52(3):433–437. doi.org/10.1016/j.paid.2011.11.005.
 - Thompson, R. A., & Goodvin, R. (2007). Taming the tempest in the teapot: Emotion regulation in toddlers. In C. A. Brownell & C. B. Kopp (Eds.), *Socioemotional development in the toddler years: Transitions and transformations* (pp. 320-341). New York, NY, US: Guilford Press.
 - Thompson, R.A., Lewis, M.D., Calkins, S.D. (2008). Reassessing emotion regulation. *Child Development Perspectives*. 2(3):124-131. doi.org/10.1111/j.1750-8606.2008.00054.x.
 - Trinidad, D.R., Johnson, C.A. (2002). The association between emotional intelligence and early adolescent tobacco and alcohol use. *Personality and Individual Differences*. 32(1):95-105. doi.org/10.1016/S0191-8869(01)00008-3.
 - Wang, L., Shi, Z., Li, H. (2009). Neuroticism, extraversion, emotion regulation, negative affect and positive affect: The mediating roles of reappraisal and suppression. *Social Behavior and Personality an International Journal*. 37(2):193-194. doi: 10.2224/sbp.2009.37.2.193.
 - Zager, M.A. (2018). Gender and crime. In *The generality of deviance* (pp. 71-80). Routledge.
 - Zahed, A., Ghalilo, K., Abolqasemi, A., Narimani, M. (2009). The relationship between emotion regulation strategies and interpersonal behavior among substance abusers. *Journal of Research on addiction*. 11(3):99-114. {In Persian}.